

بسم الله الرحمن الرحيم

(محرم ۱۴۴۷ هـ.ق - ضیافت الهی)

خطبه‌ی روز اربعین

۲۳ مرداد ۱۴۰۴

سلام بر زمان آنگاه که در ثانیه‌های خویش خبر از حادثه‌ای عظیم را به امانت نگه می‌دارد تا حق‌مداران به گردش بچرخند و عمرشان در بطالت روزها و شب‌های مکرر به آخر نرسد. همانانی که جاودانه در زمان تا قیامت درخشیدند و نام پاکشان در قلب‌ها نوید نجات را زمزمه کرد.

حماسه‌ی حرکت کاروانی که در اربعین پیروزمندانه به‌طرف مدینه به حرکت درآمد تا همگان شاهد پیروزی حق بر باطل باشند. امروز نشان از جاودانگی یارانی دارد که سر تسلیم بر امر امامت خم کردند. جانشان در ملکوت به پرواز درآمد تا نظاره‌گر زمان‌ها و دوران‌ها شوند. مبارزانی که شمشیر بر باطل کشیدند تا حق جاودان باقی بماند.

طلوع خورشید امروز نوید روزی را به همراه دارد که در آن ظلمی بر چهره‌ی زمان باقی نمی‌ماند. یاران و مددکاران از دل زمان بیرون می‌آیند تا نظاره‌گر وعده‌ای شوند که با سلول‌های جانسان آن را پذیرفتند. همانانی که پیوند امامت را با حیاتشان به نمایش درمی‌آوردند و مرگ را در برآمدن جان از گلوگاه تصور نمی‌کنند. مرگ را در دم و بازدمی می‌بینند که خالی از نفَس گرم جانشین رسول خداست.

اینک چهل روز از غروب خورشید عاشورا گذشته است. حرارت‌ها در صفحه‌ی زمان به امانت باقی مانده تا اربعین‌ها در عمرها بیاید و برود. یا با پرچمش زنده شوند و یا با انکارش به مرگی مبتلا شوند که هرگز خاکی آنان را در برنگیرد و نشانی در صفحه‌ی زمان از ایشان باقی نماند.

هم‌سفرانی که آماده‌ی سفر به دیار حق بودند نتوانستند تا اربعین را به نمایش درآورند. در بازیچه‌های عمری که روز و شبش در خیال‌هایی گاه نشسته بر تخت سلیمان و گاه گمشده‌ای در برهوت جانی بی‌سرانجام به اربعینی رسید که امر امامت

در زمان جاودانه باقی ماند تا عظمتش برای آیندگان به نمایش درآید و همسفران به عاقبتی بیندیشند که همواره در عمرشان به نمایش درآمده و نتوانسته‌اند تا از نفسی بگذرند که مانند طنابی آنان را به دنبال خویش می‌کشد. وای بر احوال مسافران طوری که منتظر رفتن به سرزمینی بودند که آنان را در صف مبارزان حق رغم نمی‌زد بلکه هنرپیشگانی را به تصویر می‌کشید که چند صباحی در نقش نفسی به گردش پرداخته بودند که خیلی زود در صفحه‌ی عمرشان ناپدید شد و از خاطره‌ها محو گردید. چهره‌هایشان در مودتشان به ثبت رسید تا اطاعت را در سلول‌های جانشان به گردش درآورند و آنگاه که آنان را به پای طور بخوانند با جان و مال و فرزند به استقبالش بشتابند و آنگاه که فرمان بازگشت را صادر کنند با چشمی گریان در پای طور بمانند تا بار دیگر زمان آنان را به جهادی بخواند که جانشان در نعمتش از تباهی نجات یابد پس با زمان که منتظر آمدن حق و نابودی باطل است او را می‌خوانیم به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج